



از کن تا نفرآباد و اسلام‌آباد، احیای محلات تهران

مدیریت ششم شهر تهران با اصلاح و تصویب طرح‌های تفصیلی و موضوعی محدوده‌های خاص، توسعه گردشگری و نوسازی را ممکن کرد

۲۲



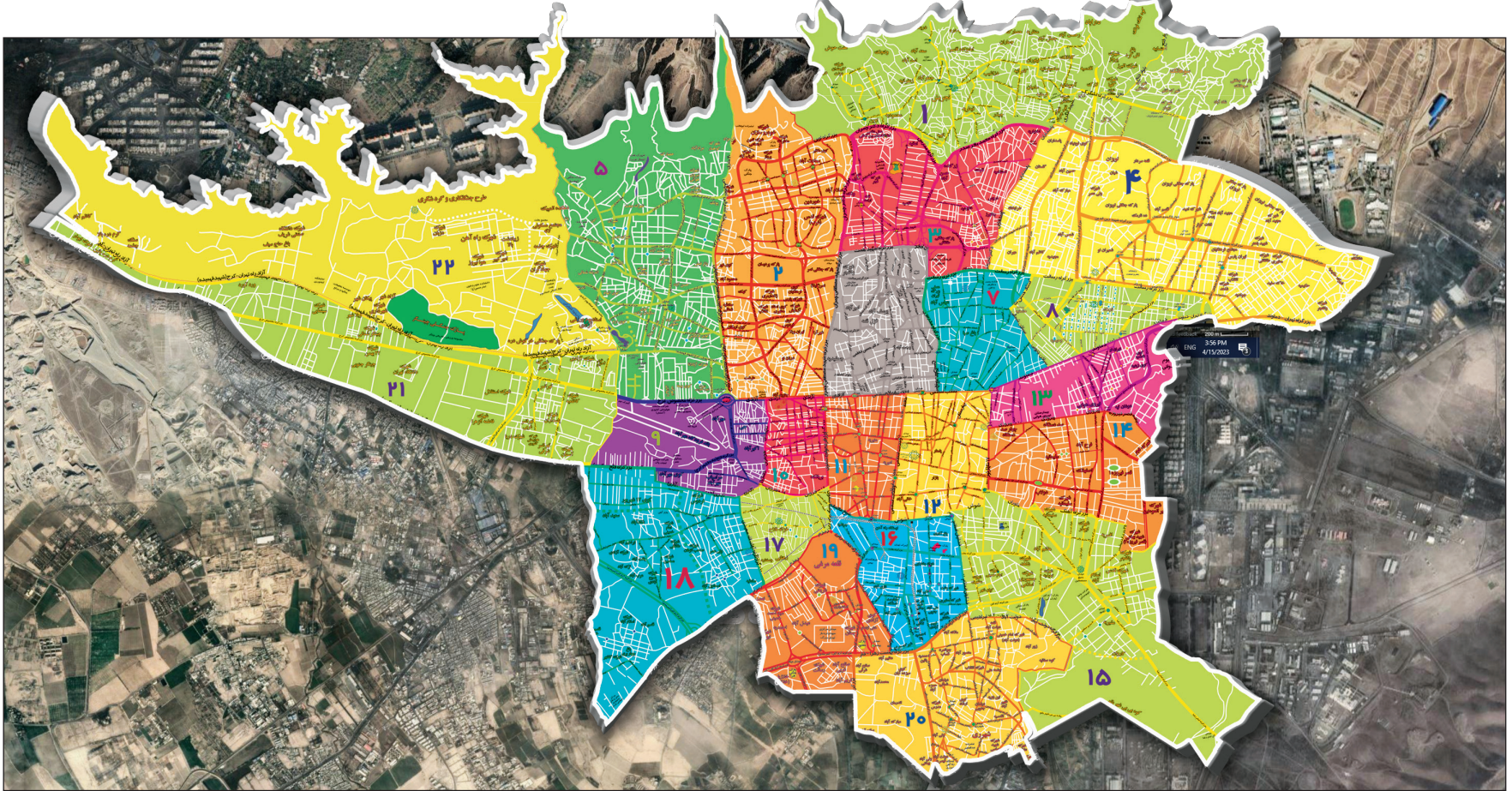
آزادسازی اراضی ملی حریم پایتخت

گزارش همشهری از کوتاه‌شدن دست متصرفان از حریم تهران

۲۴

دوشنبه ۲۸ فروردین ۱۴۰۲ | ۲۶ رمضان ۱۴۴۴ | سال سی‌ویکم | شماره ۸۷۵۰

همیشه‌های شهری



حاشیه‌نشینی تهران؛ تهدید یا فرصت

زندگی در حاشیه پایتخت طی ۲ دهه اخیر سرعت بالایی پیدا کرده و با این روند باید برنامه‌ای جدی برای کنترل حاشیه‌نشینی ریخته شود

گزارش

سیدمحمد فخار
روزنامه‌نگار

اجتماعی باعث شده تعدادی از شهرنشین‌ها نیز به حاشیه رانده شوند. افرادی که فقیر شده و به همین دلیل به تقساط ارضان تر می‌روند. این، یعنی مسائل اقتصادی، عامل اثرگذاری در ایجاد و تداوم حاشیه‌نشینی است. در کشور ما ایران نرخ حاشیه‌نشینی اطراف شهرهای بزرگ کمتر از ۲۵ درصد است و در شهری نظیر تهران این آمار به ۲۳ درصد می‌رسد. این در حالی است که همه در حال توسعه دیده می‌شود و آمار سازمان ملل نشان داده ۴۴ درصد از جمعیت آسیا در سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند، اما نکته قابل تامل اینکه مسائل اقتصادی و کاهش عدالت

۵۰ سال حاشیه‌نشینی در ابتدای دهه ۶۰ نگاه مسئولان این بود که «تهران باید به گونه‌ای باشد که هر کسی قدرت زندگی در آن رانداشته باشد»، از این رو اگر گرانی در این شهر زیاد است، پدیده‌ای طبیعی است. در دهه ۷۰ اندکی این نگاه تعدیل شد و موضوع شهرهای اقماری برای سکونت حاشیه‌نشینان پایتخت مطرح شد و از ابتدای دهه ۸۰ این شهر که‌ها به‌طور جدی ساخته و در اختیار خانواده‌هایی گذاشته شد که نمی‌توانستند با قیمت سکونت در تهران کنار بیایند. تورم دهه ۹۰ اما موجب شد قیمت این شهرهای اقماری نیز به اندازه پایتخت رشد کند و زندگی در آنها هم لاکچری شود.

نگاه شهردار
علیرضا زاکانی: حاشیه‌نشینی تهران در شرایطی است که برای آن باید مدیریت سه وجهی شهروند، شهر و شهرداری را در نظر گرفت. شهر تهران ۹ میلیون و ۶۰۰ هزار جمعیت ساکن دارد و ۴ میلیون نفر نیز هر روز به تهران تردد می‌کنند و اضافه می‌شوند. مساحت این شهر مجموعاً ۱۰۰ هزار هکتار است که ۱۲ هزار هکتار آن بافت نابایدار به شمار می‌آید و علاوه بر این هویت ملی و اسلامی در این شهر نمایان نیست و شهروند، بی‌عدالتی را حس می‌کند و فاصله‌ای جدی با شهر مطلوب دارد. در تهران مناطقی وجود دارند که ممکن است در دورترین نقاط کشور هم شاهد فضاهای مشابه آن باشیم.

آمار

کنترل حریم شهر با کمربند سبز

طرح کمربند سبز پیرامون شهر تهران با هدف کنترل گسترش شهر و جلوگیری از ساخت و سازهای غیرمجاز در حاشیه شهر و گسترش بی‌رویه پایتخت در حال اجرا شدن است و طبق برنامه ریزی‌های صورت گرفته تا قبل از پایان این دوره از مدیریت شهری این طرح تکمیل خواهد شد. پروژه تکمیل کمربند سبز پیرامون شهر تهران طی ۲ سال اخیر و در مدیریت جدید شهری پایتخت شتاب فزاینده‌ای گرفته، به شکلی که میانگین توسعه آن در ۲ سال اخیر بیش از سال‌های گذشته است. همچنین لازم به ذکر است که امسال در اجرای کمربند سبز شهر تهران از درخت‌های شمر مانند زیتون و گردو نیز استفاده شده است.

۵۰ هزار

هکتار کمربند سبز پیرامون شهر تهران در حال اجرا شدن است.

۳۶ سال

از شروع طرح کمربند سبز در سال ۱۳۶۵ می‌گذرد.

۴۶ هزار و ۵۰ هکتار

از این طرح تاکنون در پایتخت عملیاتی شده است.

۱۵۰۰ هکتار

از کمربند سبز تهران سال گذشته اجرا شد.

۲۰۰۰ هکتار

دیگر درختکاری در سال ۱۴۰۲ عملیاتی می‌شود.

۵۰ هزار هکتار

دیگر درختکاری در سال ۱۴۰۲ عملیاتی می‌شود.

۲۶ متر

میانگین فضای سبز برون شهری تهرانی‌هاست.

تهدیدهای حاشیه‌نشینی تهران

- ترافیک ورودی و خروجی شهر در غرب، شرق و جنوب
- افزایش ۳۰ دقیقه‌ای زمان سفرهای برون‌شهری مردم
- افزایش سوخت و آلودگی هوا به‌ویژه در غرب به لحاظ میدان باد
- کاهش کیفیت زندگی حاشیه‌نشینان در سرانه‌ها
- چالش افزایش جمعیت روزانه ۴ میلیون نفری در تهران
- فرونشست زمین بر اثر برداشت آب از سفره‌های زیرزمینی
- چالش‌های زیست‌محیطی (زباله‌سوزی، کاهش فضای سبز)

فرصت‌های حاشیه‌نشینی تهران

- افزایش نیروی کار
- افزایش سرانه‌های خدماتی نقاط دور دست شهر
- افزایش دسترسی و خطوط مترو و اتوبوس حاشیه
- دسترسی به زمین ارزان

حاشیه‌نشینی زیر ذره‌بین

جمعیت حاشیه‌نشین تهران در شهرهای اقماری	جمعیت حاشیه‌نشین ایران	جمعیت حاشیه‌نشین تهران در شهرهای اقماری
۲ میلیون نفر	۱۰ میلیون نفر	۲ میلیون نفر
افزایش در سال ۱۳۵۵	افزایش در سال ۱۴۰۱	افزایش در سال ۱۴۰۱
۵۵ هزار نفر	۲۰ برابر	۲۵۰ هزار نفر

گرافیک همشهری نظیر شما برای

یادداشت
محمد سرابی
روزنامه‌نگار

حاشیه‌های سال‌های ۴۰

ریشه حاشیه‌نشینی در شهرهای ایران را «اصلاحات ارضی» می‌دانند که در سال‌های ۱۳۴۰ اجرا شد و ارتباط جمعیت بزرگ روستاییان کشور با زمین‌های زراعی را به هم زد. در نتیجه تغییراتی که اصلاحات ارضی تنها بخشی از آن بود نظام اجتماعی عوض شد و مهاجرت از روستا به شهر به شکل یک رویه عادی درآمد. بدنه اصلی شهرها برای پذیرش این جمعیت آماده نبودند و مهاجران در حاشیه آنکه زمین‌ها از آن تر و دست‌نخورده‌تر بود ساکن شدند. ۲ دهه بعد شهر داری‌ها و ارگان‌های قانونی دیگر مجبور به وضع قوانین و اعمال شدیدی آن برای کنترل حاشیه‌هایی بودند که دائماً رشد می‌کردند.

مدرنیزاسیون دوران پهلوی دوم به‌صورت امواج گسترده‌الگو گرفته از غرب اجرا شد و شیفتگان آن توجیهی به مبانی و ریشه‌های فرهنگی ملی نکردند. ابتدا واردات کالاهای نوین باعث ایجاد بازار مصرف شد و بعد فناوری صنعتی در حاشیه شهرها مستقر شد تا کالاهای مصرفی را بسازد اما کارخانه‌های جدید نیاز به نیروی کار داشتند که از کشاورزان مهاجر تأمین می‌شد. (باقیمانده همین کارخانه‌ها امروزه به‌صورت آثار تاریخی و صنعتی در شهر دیده می‌شود که قرار است کاربری‌های فرهنگی پیدا کند) شهرنشینی به‌زودی جاذبه‌هایی پیدا کرده بود که در دیگر نقاط کشور یافته نمی‌شد. در کتاب «ایران مدرن» نوشته پرواندا ابراهامیان آمده است که در سال‌های ۱۳۵۰ تهران با جمعیت کمتر از ۲۰ درصد کشور دارای ۶۸ درصد کارمندان دولت، ۸۲ درصد شرکت‌های ثبت شده، ۵۰ درصد تولید صنعتی، ۶۶ درصد دانشجویان، ۵۰ درصد پزشکان، ۴۲ درصد تخت‌های بیمارستانی، ۴۰ درصد مخاطبان سینما، ۷۰ درصد مسافرت‌ها به خارج از کشور، ۷۲ درصد نشریات بود و از هر ۱۰ نفر ساکن تهران یک نفر خودروی شخصی داشت در حالی که در مناطق دیگر این نسبت ۹۰ به یک بود.

این اعداد نشان می‌دهد که امکانات نوین در پایتخت چقدر نامتناسب تمرکز یافته بود. بدیهی است که در این شرایط باید انتظار داشت جمعیت زیادی از نسل دهقانان سابق که دیگر به معیشت سنتی نمی‌پرداختند، به شهرها مهاجرت کنند. حاشیه شهر پذیرای این جمعیت بود و محله‌های جدید به سرعت ساخته می‌شدند. بخشی از این مهاجران توانستند با سکونت در محله‌های جنوبی و نزدیک به بافت قدیمی شهر به‌تدریج در آن ادغام شوند اما بخش اعظمی در حاشیه دورتر سکونت پیدا کردند تا اواسط سال‌های ۱۳۵۰ چند دهه محله تهیدست‌نشین در تهران وجود داشت که ساکنان آن با وجود احساس تعلق به قومیت و منطقه دیگری در کشور، امکان بازگشت به آن را نداشتند.

برخی مطالعات دیگر بیان می‌کند که انقلاب اسلامی درست در زمانی رخ داد که جمعیت شهری به ۵۰ درصد جمعیت کشور رسید و شهرنشینی شکل عمده حیات اجتماعی در ایران شد. در این میان اتفاقی رخ داد که حاشیه شهرهای ایران را از نمونه‌های مشابه در قاره آفریقا یا آمریکای جنوبی متمایز می‌کند. در حاشیه این شهرها پدیده «لوتک‌نشینی» یا حلبی‌آباد خیلی بیشتر از تهران و دیگر شهرهای بزرگ دیده می‌شود اما در ایران اتفاقات شکل دیگری گرفت. مهاجران قطعات زمین‌های کشاورزی را بنا به سندهای دست‌نویس از مالکان یا کسانیکه بعد از اصلاحات ارضی، مدعی مالکیت آن بودند می‌خریدند و در آن خانه‌سازی می‌کردند. شهرداری‌ها و دولت هم در پی تخریب سریع این ساختمان‌های یک طبقه نبودند. ارزش ذهنی زمین و مالکیت زمین به‌عنوان یک سرمایه باعث شده بود هر کس مالک زمین و ساختمان کوچکی می‌شد و این کار نتیجه بهتری از ایجاد حلبی‌آبادها داشت.

براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۶۵ حجم کلی مهاجرت داخلی در ایران طی ۱۰ ساله ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ نزدیک به ۵ میلیون نفر بود که ۷۱۳ میلیون نفر آن شامل کوچ‌خالص از مناطق روستایی می‌شد. بنا به تحقیقی که نتایج آن در شماره ۴۳ مجله مطالعات علوم اجتماعی ایران منتشر شد، مهم‌ترین مشکل مورد بحث در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷ در میان پژوهشگران اجتماعی، مسئله «جمعیت» بود. نزدیک ۴۰ درصد از پژوهش‌ها در این دوره به گسترش حاشیه‌نشینی، زاغه‌ها و حلبی‌آبادها در اطراف تهران، افزایش بی‌رویه جمعیت در شهر به‌دلیل مهاجرت، زادوولد و حضور اتباع خارجی است. ازدواج و طلاق، تحصیلات و جرائم در رتبه‌های بعدی قرار داشتند.

این جمعیت خواسته یا ناخواسته باید ساکن شهر می‌شد و طبیعی بود که زمین‌های ارزان‌تر را برای سکونت انتخاب کرد. این روند هنوز هم ادامه دارد با این تفاوت که اتفاقات جدیدی به چشم می‌خورد. با بروز مشکلات اقتصادی در چند سال اخیر و افزایش افسارگسیخته هزینه رهن و اجاره مسکن در شهر تهران، برخی از ساکنان محله‌های داخلی شهر به‌تدریج به محله‌های حاشیه‌ای و سرانجام به شهرها و شهرک‌های اقماری مهاجرت کرده‌اند. مهاجرت از درون به بیرون شهر و نامیدی از سکونت دائمی در قلب شهر، معیارها را تغییر می‌دهد و شهرهای بزرگ را با مسائل متفاوتی روبه‌رو خواهد کرد.